ما هو شفاء آیه رحمة لمن یشاء یعنی شایسته نماید و داند که قرآن بعضی از روشن ترین عبارتی اشارت میکند باکه در قرآن عظیم و ظاهر
تلقی کردی یک کمال صورت وجود یکی و دیگری صورت کمال تحقق نه پذیرد و باصل میان و ایقان میرسد اول شفا
بدان کرا لفظ شفا شرط است بدان دوم شفا ارواح که کلمه حرمت عبارت از انست و یکی از امراض جسمانی و دیعت نماند
دیگری آفات و حفظ صحت رعفا و ده و فیض قرآن بچنانچه امر جسمانی را کرا ضعف صحت سخت فرند بنیج اعتدال نه بی آورد
قوای روحانیه را ظاهر بیان ضعف و بخورد و طریق معرفت الهی کما میدارد پس قرآن علاج امراض ظاهر و باطن و تکلفت
و شفاء الام و اسقام صوریه و معنویه از و حاصل همچنین کلام سعادت انجام انزل القرآن علی سبعة احرف
کلها کاف شاف کرا از احادیث مجموعه شمرده اند دلالت بران دارد که کفایت و شفا در حروف و کلمات قرآن منه مرتب
و همچنین شفا را علی العموم و در کریم کفایت نیز عامست یعنی هر مهمی که باشد و هر دشواری بمیامن قرآن کفی میکرد
ب مراد خویش قرآن طلب چنانچه توانی کز حصول پذیر و مقاصد دو جهانی و کیفیت اشفاع بکلمات قرآنیه
بتلاوت باشد یا کتابت و قراءت یا حصیری بود که بعد معین خوانند یا طلاق کی که تعیین عدد نمایند و کتابت نیز در کاغذی
باشد یا ورقی و بجا چرمی نشاید و رسم امام فتح نبود و بعد از کتابت بمحل آن فاید دیگر ندید و چه که باشد و تعلیق چون
تعاویذ و قبض چون خواهیم با تقسیل صورت کتابی بآب گلاب و مانند آن و شاهیدن یا در عضوی لیدن و لیث از زبان
جسم و نقش میکند کرشتاسین الفاظ قرآن مریض آشامیدن جهت شفا نیز جایز است و درین روایت در تفسیر قرطبی
آمده و از اینکه اهل بیت این مرادیست و الله اعلم غرض آنکه چون زبان قلم باید از بعضی از خواص منافع آیات و کلمات
قرآنی و محل عدد و دادن بر سبیل اکاذیب و سه کلمات در خواص کلمات بسم الله نفعنا الله و جمیع اولیا میان بهاشوشته
می آید و در کتاب تنبیه العباد از انس بن مالک منقول میکند که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده که هر که در روز
ده نوبت بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم از کناهان پاک گردد و آثر و تعالی
او را از هشتاد نوع بلا نگه دارد و کذا از انجمله برص خوام و فالج باشد و در ریاض الجنان از ابن عباس رضی الله عنهما منقولست
که حضرت رسالت صلعم کرا از قابل این کلمات مشاهده باب از جا منصرف سازند که آسانترین عمل طاعت و اندوه باشد
و امام ابو عبد الله الیافعی در کتاب الانتظیم گوید که هر که بسم الله الرحمن الرحیم بسیار گوید او را مهتری روزی کرد
نزد اهل علم از علویات و سفلیات بنظر احترام بدو نگرند و هم ایشان نقل فرموده اند از بزرگی که از برای قضای حاجات
در آمده اند دوازده هزار بار باید خواند برین وجه که چون هزار نوبت تمام شود و در کعت نماز کند از دعا حاجتی
که دارد بخواهد و با تقوات دعوی نماید بعد از هزار نوبت دیگر نماز گذارد و بر وجه مذکور بقراءت عود نماید تا دوازده
هزار نوبت با تمام رسد حاجت وی منقضی گردد و شیخ ابو العباس رحمه الله در شمس المعارف گفته آورده که هر که
بسم الله الرحمن الرحیم شیخ محل بر بنویسد با خود دارد و صد جا عزیز و محترم و مکرم گردد و قلوب همه مردمان بمحبت او میل نماید

در باب هر یک از اسم شش شان بسیار منقولست که حضرت خواجه پارسا قدس سره در شرح اسماء الله آورده که هر که هر روز هزار
بار بگوید یا از صاحب یقین شود و کشف یا حسن بعد از بهر نمازی صد نوبت غفلت و فراموشی بحکم از دل بیرون و هر روز صد هزار
بار رحیم گوید مشفق و مهربان گردد و از ابراهیم حقه الله منقولست که حضرت ایشان صد مراتبه کفایت نمات تعلم از دو و بجا
که هر کرا حمی پیش آید که از تدبیر آن عاجز گردد باید که روز جمعه بعد از ادای عصر بیست و دو بار مشغول گردد و عصر و جمعه تمام کرده
و دو رسم را که خاصه حق است یعنی صد و چون بطریق نذر کرا نماید تا ذوب آب شاب بعد از آن مسجد و هند و حاجتی که دارد بخواهد
در کتاب تصانیف یونی مسطور است که اسم رحیم را در این شدن از کات زمان خشم صاحب سلطان و قوض رباب بعد از آن
خاستی عجیب است و شخصی را دیدم از شدت ذوی از زیاد سخت که از سلطان زمان خوفی عظیم داشت او را بنا کرد بیم و رات
کردم هفت روز بدان مداومت نمود روز هشتم بیرون آمد و خادم سلطان او را گرفته نزد پادشاه برد چون نظر پادشاه
بروی افتاد و عطف و ملایمت با وی سخن گفت و صله فلیت با او در سایه امان الهی نجات یافت یعنی از سایل آمده که
در کلمات تبلیغ سعید خاصیت بر جست و چون میدان بیان این نوع سخنان در وی عمه ترجمه چنان مستحق نبود بدین قدر اکتفا
افتاد والله بصیر بالعباد سورة الفاتحة الکتاب چون بذکر فاتحه آمد بکشف مشایخ دین محمد را نم بزبان رب العالمین
بعد از ادای طرفین از حقایق بسیار و فتح ابواب بیغا فاتحه حسنه انوار فتح و متحق اقسام فتوح توان شد والفتح
المهمن الفتاح و مبدا بحق نکته از اتصال مبدا تو مناسب بینماید بدانکه جمعی از کبرای دین را که حضرت رسالت از بیان
بسلوغ فاتحه از خوانی آن حدیث مسلسل تمسی من قرأ بسم الله الرحمن الرحیم متصلا بفاتحة الکتاب مرة واحدة اشهد
علی انی قد غفرت له مفهوم شده و منیت فرموده اند در وقت قرات فاتحه بحق تسمیه بول سوره در بالش
موجبات تفسیر قرطبی آورده که بعضی روایت کرده اند که حضرت رسول صلعم بر رحیم وقف نمودی و ابتدا بالف مقطوعه
فرمودی انا فتح میم الرحیم بالحاست بمفتح میم و وصل الف و در اتصال میم کلاشاره بدایره جنتیه و حضرت جمعیتش بالف
که مناشش وجود مطلق بر نهاشته بنیت ایامی لطیف نجوی الا ان الزمان قد استدار باز توان یافت و وقف
توان شد بر نکته از اسرار مبدء و معاد و بطون و ظهور والی الله ترجع الامور امام بدر الدین فراهی در کتاب غایة البدر
فرموده که سوره فاتحه اصل بیانیست و کنج معانیست فضل المطالب است ام الکتاب است بدیرست بی صفت فتح
فکلیت بی سمیت فتح و الشفاء او دست نزاز اسرار قرآنی را بجای مفتاح است میقل آیتش و اینده دکتاب
فلاوت کلماتش سبب کشایش کارهاست مطالع حروفش مظاهر حقایق اسماست معادن نقاطش مخازن اسرار
صفات عمل است طرب آرای اهل سماعست بی کلفت مثالب و مثانی نغمه و لاغیر شش بالطافت و لقد آتیناک
سبعا من المثانی سیاه رنج دلست زیر بخش کارخانه آب گلست رهنمای تکیه و حشت زدای بدلست طراز نگاه
از لی توقیع نامه ابدیست ریخته چمن معانیش خبر دهد از آن مجالس دین است فاتحه گلشن بیانش غایه بسیار